



دانشگاه لرستان

Issn online: 2980-8944  
New researches in Islamic humanities studies  
<http://www.api.lu.ac.ir>



## Inscriptions related to Shiism in historical works of the early Islamic centuries of Iran

Hosein Sedighian<sup>1</sup> Mousa Sabzi<sup>2</sup> Mehrdad Amiri<sup>3</sup> Shahram Rahnama<sup>4</sup>

\* Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran, [Sedighian.h@lu.ac.ir](mailto:Sedighian.h@lu.ac.ir)

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran, [Sabzi.m@lu.ac.ir](mailto:Sabzi.m@lu.ac.ir)

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Islamic Education and Philosophy, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran, [Amiri.m@lu.ac.i](mailto:Amiri.m@lu.ac.i)

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of Islamic Education and Philosophy, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran, [Rahnama.sh@lu.ac.ir](mailto:Rahnama.sh@lu.ac.ir)

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received  
June 2<sup>o</sup>, 2022  
Accepted  
September ۳۰, 2022

**Keywords:**  
*Shia religion, Iran,  
early Islamic centuries,  
..inscription*

### ABSTRACT

So far, citing the historical and religious books of the early Islamic centuries, very valuable information has been published in connection with the Shia religion. Referring to the same sources, it has been determined that during this period, Shia religion had many followers in different cities and regions of Iran. But when the archeological findings of this time period of Iran that are related to the Shiite religion are examined, comprehensive and not much information has been published in this field. Considering this, it was necessary to investigate such evidence in the current territory of Iran in an independent and purposeful research. The main question of the current research is whether the archaeological evidences such as the inscriptions used in the existing historical works also support the influence and spread of Shiism in Iran in the early Islamic centuries or not? As a result, the current research was compiled with the aim of examining the historical works of the early Islamic centuries of Iran that are somehow related to the Shiite religion. Considering that few archeological evidences related to the Shia religion were identified in Iran from the first and second centuries of Hijri, the present article mainly examines the works of the third to fifth centuries of Hijri. The method of the current research is descriptive-analytical and the method of gathering information is based on the review of library sources and the study of some historical works in various museums inside and outside the country.



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۸۹۴۴-۲۹۸۰

پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی

<http://www.api.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

## کتیبه‌های مرتبط با مذهب تشیع در آثار تاریخی قرون اولیه اسلامی ایران

حسین صدیقیان<sup>۱\*</sup>، موسی سبزی<sup>۲</sup>، مهرداد امیری<sup>۳</sup> شهرام رهنما<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، [Sedighian.h@lu.ac.ir](mailto:Sedighian.h@lu.ac.ir)

<sup>۲</sup> استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، [Sabzi.m@lu.ac.ir](mailto:Sabzi.m@lu.ac.ir)

<sup>۳</sup> استادیار گروه معارف و فلسفه اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، [Amiri.m@lu.ac.ir](mailto:Amiri.m@lu.ac.ir)

<sup>۴</sup> استادیار گروه معارف و فلسفه اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران،

[Rahnama.sh@lu.ac.ir](mailto:Rahnama.sh@lu.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۱۴۰۲/۰۵/۲۵

پذیرش نهایی:

۱۴۰۲/۰۷/۰۸

### واژگان کلیدی:

مذهب تشیع، ایران، قرون اولیه اسلامی،

کتیبه

### چکیده

تاکنون و با استناد به کتب تاریخی و مذهبی قرون اولیه اسلامی، اطلاعات بسیار ارزشمندی در ارتباط با مذهب تشیع منتشر شده است. با استناد به همین منابع چنین مشخص شده که در این بازه زمانی، مذهب تشیع در شهرها و مناطق مختلف ایران از پیروان زیادی برخوردار بود. اما زمانی که به بررسی یافته‌های باستان‌شناسی این دوره زمانی ایران پرداخته می‌شود که مرتبط با مذهب تشیع باشند، اطلاعات جامع و چندانی در این زمینه منتشر نشده است. با توجه به این امر ضرورت داشت که در پژوهش مستقل و هدف‌مندی به بررسی چنین شواهدی در سرزمین فعلی ایران پرداخته شود. پرسش اصلی پژوهش حاضر چنین است که آیا شواهد باستان‌شناسی مانند کتیبه‌های به‌کار رفته در آثار تاریخی موجود نیز مؤید نفوذ و گسترش مذهب تشیع در ایران قرون اولیه اسلامی هستند یا خیر؟ در نتیجه، پژوهش حاضر با هدف بررسی آثار تاریخی قرون اولیه اسلامی ایران که به نحوی در ارتباط با مذهب تشیع باشند، تدوین شده است. نظر به اینکه از قرون اول و دوم هجری شواهد باستان‌شناسی اندکی مرتبط با مذهب تشیع در ایران شناسایی شد، در مقاله حاضر عمدتاً به بررسی آثار قرون سوم تا پنجم هجری پرداخته می‌شود. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات آن بر پایه بررسی منابع کتابخانه‌ای و مطالعه برخی آثار تاریخی موجود در موزه‌های مختلف داخل و خارج از کشور است..

## ۱- مقدمه

با توجه به شواهد و اسناد تاریخی متعدد باقی مانده، گرایش به مذهب تشیع<sup>۱</sup> در ایران فرایندی تدریجی اما مستمر بوده است. اسناد و مدارک تاریخی موجود، گرایش تدریجی به این مذهب توسط ایرانیان را از همان قرن اول هجری نشان می‌دهند. از جمله دلایلی که برای این امر بیان شده می‌توان به محبت و دوستی اهل بیت، محبوبیت علویان به‌ویژه امام علی (ع)، زهد شیعیان، مظلومیت شیعیان و نگرش عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه شیعیان، اشاره کرد (جعفریان، ۱۳۸۸: ۸۹-۱۰۰ و اروجی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵-۶). این موضوع را می‌توان در وقایعی هم‌چون همراهی ایرانیان با قیام مختار در نیمه دوم قرن اول هجری ملاحظه کرد (جعفریان، ۱۳۸۸: ۱۲۲ و مفتخری و زمانی، ۱۳۸۶: ۸۶). این گرایش به مذهب تشیع توسط ایرانیان تا جایی پیش رفت که حتی منجر به روی کار آمدن حکومت‌های شیعی هم‌چون آل‌بویه در قرن چهارم هجری شد؛ در عین حال که شهرها و مراکز مهم‌چون کاشان و آوه نیز در این زمان عمدتاً شیعه‌نشین بودند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۷۷).

در حال حاضر بیشتر شناخت ما از وضعیت مذهب تشیع در ایران اوایل اسلام، بر پایه اطلاعات موجود در منابع تاریخی و مذهبی است. بر پایه این منابع، شناخت نسبتاً مناسبی در زمینه وضعیت فرهنگی و مذهبی ایران طی قرون اولیه اسلامی، حاصل گردیده است. اما این پرسش همواره مد نظر پژوهش‌گران وجود دارد که آیا شواهد باستان‌شناسی هم‌چون آثار تاریخی موجود نیز مؤید نفوذ و گسترش مذهب تشیع در ایران قرون اولیه اسلامی هستند یا خیر؟ بر همین اساس هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی جایگاه مذهب تشیع در ایران اوایل اسلام بر پایه شواهد باستان‌شناسی است. نظر به اینکه کتیبه‌ها مهم‌ترین منبع اطلاعاتی مرتبط با مذهب تشیع در این بازه زمانی هستند، در نتیجه عمده این پژوهش بر پایه مطالعه کتیبه‌های به‌کار رفته روی آثار تاریخی هم‌چون سکه، سفال، سنگ و چوب است. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و منابع موزه‌ای است. در زیر ابتدا مختصری در مورد پیشینه پژوهش بیان شده، سپس به بررسی یافته‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

## پیشینه پژوهش

در حال حاضر بیشتر پژوهش‌های مرتبط با مذهب تشیع در ایران را مطالعات تاریخی و مذهبی در بر می‌گیرد. این پژوهش‌ها تا حد زیادی دید مناسبی در مورد این مذهب را در ایران، به‌ویژه قرون اولیه اسلامی، ارائه می‌دهند (برای نمونه رک: جعفریان، ۱۳۸۸؛ هالم، ۱۳۸۵ و اسماعیلی، ۱۳۸۷). بجز این منابع، بعضاً پژوهش‌هایی نیز منتشر شده که از جنبه باستان‌شناسی به بررسی یافته‌های مرتبط با این مذهب پرداخته‌اند. مهم‌ترین این پژوهش‌ها را مطالعات مربوط به سکه‌شناسی در بر می‌گیرد که البته فقط محدود به این بازه زمانی نبوده و بیشتر یا تمام قرون مختلف اسلامی را در بر دارند (برای نمونه رک: شاهمرادی، ۱۳۹۹). بجز این مطالعات، تقریباً بیشتر پژوهش‌های باستان‌شناسی منتشر شده، به بررسی آثار مرتبط با مذهب تشیع از دوره سلجوقی به بعد پرداخته‌اند (برای نمونه رک: شایسته‌فر، ۱۳۸۴). این در حالی است که در میان بسیاری از اطلاعات منتشر شده موجود، بعضاً اشاراتی نیز به برخی از آثار مرتبط با مذهب تشیع در قرون اولیه اسلامی شده است؛ مانند توضیحاتی که در زمینه خوانش برخی کتیبه‌های به‌کار رفته روی آثار چوبی این دوران، شده است (برای نمونه رک: بلر، ۱۳۹۴: ۶۷-۷۵). اشاراتی که هیچ‌گاه در یک پژوهش مستقل و هدف‌مندی، بررسی و مطالعه نشده‌اند. بدین سبب پژوهش حاضر را می‌توان از جمله اولین منابع مستقل در این زمینه به حساب آورد.

<sup>۱</sup> در پژوهش حاضر مذهب تشیع از نگاه کلی بررسی شده و شامل هر سه شاخه اصلی این مذهب یعنی زیدیه، اسماعیلیه و امامیه می‌شود.

## یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به دلیل آنکه صرفاً به بررسی شواهد باستان‌شناسی مرتبط با مذهب تشیع در ایران طی قرون اولیه اسلامی می‌پردازد، تنها منابعی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که رد یا نشانه‌ای از این مذهب در آنها منعکس شده باشد. بدین سبب برای نظم بهتر مطالب، این شواهد در چند زیر گروه بررسی شده و در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آنها پرداخته خواهد شد. یافته‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

**الف) سکه:** با اطمینان می‌توان چنین بیان کرد که در حال حاضر مهم‌ترین و بیشترین یافته باستان‌شناسی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر را سکه‌ها تشکیل می‌دهند. سکه‌ها از این جنبه اهمیت دارند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم شواهد متقنی در ارتباط با مذهب تشیع را می‌توان در آنها پیدا کرد. در حال حاضر قدیمی‌ترین شواهد باستان‌شناسی مرتبط با مذهب تشیع در ایران را همین شواهد سکه‌شناسی در بر می‌گیرد که مربوط به نیمه اول قرن دوم هجری هستند. در این بازه زمانی سکه‌هایی توسط عبدالله بن معاویه<sup>۲</sup> از احفاد امام علی (ع) در ضربخانه‌هایی هم‌چون استخر و رامهرمز (۱۲۷ تا ۱۲۹ ه.ق) ضرب شده که روی آنها بخشی از آیه ۲۳ سوره شوری «قُلْ لَا اسئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجراً إِلَّا المودة فی القربی»، نوشته شده است (تصویر ۱)؛ (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۱۲۳ و شاهمرادی، ۱۳۹۹: ۴۳). این آیه که در اصل به مودت و محبت اهل بیت پیامبر (ص) اشاره می‌کند، یکی از نشانه‌های جایگاه و اهمیت خاندان پیامبر و به ویژه امامان شیعه (ع) است (امامی، ۱۳۸۵: ۳۹۱). بر همین اساس چنین می‌توان بیان کرد که برای نخستین بار نشانه‌های مرتبط با مذهب تشیع در این بازه زمانی و به صورت غیر مستقیم در سکه‌ها منعکس شده است. همین شعار سه سال بعد روی برخی از سکه‌های منسوب به ابومسلم خراسانی در مراکز هم‌چون سیستان به کار گرفته شد (رضایی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۱۲۷ و شاهمرادی، ۱۳۹۹: ۵۱). این امر نشان‌دهنده آن است که دو قیام مهمی که در اواخر حکومت امویان صورت پذیرفت که در نهایت منجر به سرنگونی این حکومت گردید، از یک طرف در ایران شکل گرفت و از طرف دیگر شیعیان یا علویان در آن جایگاهی ویژه داشتند.

<sup>۲</sup> در ارتباط با قیام عبدالله بن معاویه و مناطق تحت نفوذ وی هم‌چون اصطخر فارس منابع متعددی منتشر شده است که برای نمونه رک (هاشم معروف الحسینی، ۱۳۷۹: ۶۲۷).



تصاویر ۱ و ۲: سکه عبدالله بن معاویه ضرب جی به تاریخ ۱۲۹ه.ق در سمت راست و سکه ولیعهدی امام رضا (ع) ضرب محمدیه

به تاریخ ۲۰۲ه.ق در سمت چپ (منبع: وبسایت Zeno.ru، اصلاح تصاویر توسط نگارندگان)

روی کار آمدن خلافت عباسی از سال ۱۳۲ه.ق به بعد، از دو جنبه برای مطالعات سکه‌شناسی مرتبط با مذهب تشیع در ایران اهمیت دارد؛ از یک جنبه وجود نشانه‌های غیر مستقیم مرتبط با این مذهب روی برخی سکه‌های این دوره و از جنبه دیگر ضرب سکه‌هایی با نشانه‌های مستقیم مرتبط با مذهب تشیع روی برخی سکه‌های حکومت‌های نیمه‌مستقل این دوره. از جمله موارد غیر مستقیم این موضوع می‌توان به سکه‌های بسیار پر اهمیت ولایتعهدی امام رضا (ع)<sup>۳</sup> در زمان خلافت مأمون عباسی، اشاره کرد. این سکه‌ها عمدتاً در بازه زمانی ۲۰۱ تا ۲۰۵ه.ق و در مراکز هم‌چون اصفهان، نیشابور و محمدیه ضرب شده‌اند (تصویر ۲)؛ (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۷۳؛ علاءالدینی، ۱۳۹۴: ۱۹ و ملک‌زاده بیانی، ۱۳۵۴: ۴۶). در این سکه‌ها، علاوه بر نوشته‌های مرسوم، این کلمات در ارتباط با این امام همام به کار رفته است: «مما امر به الامیر الرضا، ولی عهد المسلمین، علی بن موسی بن علی بن ابی-طالب» (ملک‌زاده بیانی، ۱۳۵۴: ۴۷ - ۴۸). این سکه‌ها تماماً در مناطق شرقی خلافت عباسیان که همان حوزه فرهنگی ایران بزرگ است، ضرب شده‌اند (شاهمرادی، ۱۳۹۹: ۶۹). این امر دلالت بر آن دارد که ایران در این بازه زمانی نیز هم‌چنان از کانون‌های مهم مذهب تشیع بوده و پیروان بسیاری از این مذهب در آن حضور داشتند.

از قرن سوم هجری به بعد و با روی کار آمدن حکومت‌های نیمه‌مستقل در ایران، شاهد ایجاد حکومت‌هایی در برخی نواحی این سرزمین هستیم که مستقیماً گرایش‌های مذهب تشیع در سکه‌های آنها ملاحظه می‌گردد. نخستین این حکومت‌ها علویان طبرستان است که در اواسط قرن سوم هجری و در مناطق شمالی ایران به تشکیل حکومت پرداختند. از این حکومت شیعی سکه‌های

<sup>۳</sup> لازم به ذکر است که اخیراً کتیبه‌ای در مسجد جامع ساوه به تاریخ ۲۰۱ه.ق شناسایی شده که منسوب به این امام همام است. متن کتیبه بدین شرح است: «حضر علی بن موسی. اللهم اغفر له بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين. إحدى و مائین (شیخ‌الحکمایی، ۱۴۰۲: ۱۷). نظر به اینکه در مورد اصالت تاریخی این کتیبه هنوز نتیجه دقیقی حاصل نشده، در پژوهش حاضر مستقلاً به آن پرداخته نشد.

مختلفی در مراکز هم چون گرگان و آمل، ضرب شده که بسیاری از آنها حاوی شعارهای مذهب تشیع هستند (حاجی تبار، ۱۳۹۳: ۹۵). در این سکه‌ها بعضاً بخشی از آیات ۲۳ سوره شوری و ۳۳ سوره احزاب ملاحظه می‌گردد؛ آیاتی که به نحوی در ارتباط با اهل بیت پیامبر و ائمه معصومین (ع) هستند. علاوه بر این، برخی عبارات هم چون «القائم من آل محمد»، «الرضا من آل محمد» و «الداعی الی الرضا» در برخی سکه‌های این دوره دیده می‌شود که مستقیماً شواهدی از مذهب تشیع را نشان می‌دهند (تصویر ۳)؛ (رضائی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۴۷۰ و حاجی تبار، ۱۳۹۳: ۹۸).



تصاویر ۳ و ۴: سکه علویان طبرستان ضرب محمدیه به تاریخ ۳۱۶ه.ق در سمت راست و سکه باوندیان به تاریخ ۳۶۳ه.ق در سمت چپ (منبع: وبسایت Zeno.ru، اصلاح تصاویر توسط نگارندگان)

در منطقه شمال ایران و پس از حکومت علویان، حکومت‌های شیعی دیگری هم چون باوندیان و آل‌بویه روی کار آمدند که از این حکومت‌ها نیز سکه‌هایی بر جای مانده که بعضاً نوشته‌هایی مرتبط با مذهب تشیع در آنها ملاحظه می‌گردد. به‌عنوان نمونه سکه‌هایی از باوندیان مربوط به قرن چهارم هجری شناسایی شده که روی آنها شعارهایی هم چون «علی ولی الله» به کار رفته است (تصویر ۴)؛ (شاهمادی، ۱۳۹۹: ۱۶۷). این شعار یکی از قدیمی‌ترین، معروف‌ترین و در عین حال انقلابی‌تری شعارهای شیعی به کار رفته در سکه‌ها، طی این بازه زمانی است که مستقیماً به حمایت از مذهب تشیع تأکید می‌کند (سرافرازی، ۱۳۹۴: ۱۲ و فرای، ۱۳۶۴: ۱۸۸). علاوه بر باوندیان، از حکومت شیعه‌مذهب آل‌بویه که بر بخش‌های زیادی از شمال تا مرکز و غرب ایران حکومت می‌کردند، نیز سکه‌های متعددی شناسایی شده که روی آنها بعضاً نوشته‌های اندکی مرتبط با مذهب تشیع هم چون «علی ولی الله» دیده می‌شود (رضائی باغبیدی، ۱۳۹۳: ۵۰۰). این امر که چرا در سکه‌های حکومت آل‌بویه چندان توجهی به کاربرد شعار مذهب تشیع نشده، چندان مشخص نیست<sup>۴</sup>؛ اما شاید یکی از دلایل آن ایجاد آشتی و وحدت بین مذاهب تشیع و تسنن بوده است (جهت

<sup>۴</sup> لازم به ذکر است که حاکمان آل‌بویه به استناد منابع تاریخی و بسیاری از شواهد باستان‌شناسی نقش مؤثری در حمایت از مذهب تشیع داشتند. به‌عنوان نمونه این حاکمان بعضاً در ساخت، بازسازی و تزئین بسیاری از آرامگاه‌های شیعی هم چون حرم امام موسی کاظم (ع)، حرم امام علی (ع) و حرم امام حسین (ع) نقش مستقیمی

آگاهی بیشتر رک: جعفریان، ۱۳۸۸: ۳۷۸ و لین‌پول، ۱۳۶۳: ۶۲۱). البته لازم به ذکر است که تساهل و تسامح رویکرد واقعی تشیع در برخورد با مذاهب دیگر بوده و تشیع بیشتر از جریان‌های فکری دیگر تاب تحمل دارد (کرمر، ۱۳۷۵: ۷۴).

در منطقه شمال و شمال غرب ایران و در بازه زمانی قرن چهارم هجری شاهد روی کار آمدن یک حکومت محلی نیمه مستقل دیگر تحت عنوان سالاریان یا آل مسافر آذربایجان<sup>۵</sup> هستیم. این حکومت گرایش به مذهب شیعه اسماعیلیه داشته و روی برخی از سکه‌های بر جای مانده آنها شعارهای مذهبی تشیع دیده می‌شود که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: «اسامی محمد، علی، الحسن، الحسین، علی، محمد، جعفر و اسماعیل»، «علی خلیفه الله»، «سیف آل محمد» و آیه ۵۵ سوره مائده<sup>۶</sup> (شاهمرادی، ۱۳۹۹: ۱۳۵ - ۱۳۶؛ شاهمرادی، ۱۳۹۹: ۸۶ - ۸۷ و ترابی طباطبایی، ۱۳۵۱: ۷۰).

ب) سفال: در ظاهر چنین به نظر می‌رسد که سفالینه‌های دوران اسلامی بر خلاف سکه‌ها، منبع معتبری برای اشاعه اندیشه‌های مذهبی به‌ویژه مذهب تشیع محسوب نمی‌شوند؛ چرا که این آثار کاربرد روزمره داشته و به‌عنوان یک کالای مصرفی به آنها نگاه می‌شود. اما وقتی به مطالعه دقیق‌تر این آثار پرداخته می‌شود، چنین مشخص می‌گردد که این آثار علاوه بر جنبه‌های مصرفی، کاربردهای دیگری نیز داشته و بعضاً به‌عنوان یک کالای هنری و تجملی نیز شناخته می‌شدند. همین امر باعث شده که در برخی سفالینه‌های قرون سه تا پنج هجری ایران، بعضاً کتیبه‌های زیبایی به خط کوفی نگاشته شده که حاوی جملات مختلفی به زبان عربی هستند. این سفالینه‌ها که عمدتاً در مراکزی هم‌چون نیشابور تولید شده‌اند، فرم‌های دهانه‌بازی هم‌چون کاسه و بشقاب داشته و بعضاً در داخل آنها کتیبه‌نگاری شده است (جهت آگاهی بیشتر در مورد انواع سفالینه‌های تولیدی نیشابور رک: Wilkinson, 1973). آنچه که برای پژوهش حائز اهمیت دارد، وجود کتیبه‌هایی در برخی از سفالینه‌های نیشابور می‌باشد که به نحوی مرتبط با مذهب تشیع هستند. به‌عنوان نمونه کتیبه‌هایی از امام علی (ع) در این آثار به کار رفته که برخی از آنها برگرفته شده از کتاب نهج-البلاغه هستند. از جمله این کتیبه‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «اشرف الغنی ترک المنی؛ التدبیر قبل العمل یؤمنک من الندم؛ الحرّ حرّوان مسه الضر؛ الحرص علامه الفقر؛ الرزق مقسوم؛ الصبر مفتاح الفرج؛ من یقن بالخلف جاد بالعطیه؛ من صبر قدر؛ من کساء الحیا ثوبه خفی عن العیون العیبه؛ یقال قد خاطر من استغنی برایه؛ لا فتی الا علی لا سیف الا ذی الفقار» (جهت آگاهی بیشتر رک: قوچانی، ۱۳۶۴ و همان، ۱۳۸۰). به‌عنوان نمونه جمله «من کساء الحیا ثوبه خفی عن العیون العیبه» از جمله مواردی است که در برخی سفالینه‌های نیشابوری به کار رفته که مشابه آن را می‌توان در حکمت ۲۲۳ نهج البلاغه ملاحظه کرد یا جمله «من یقن بالخلف جاد بالعطیه» در حکمت ۱۳۸ نهج البلاغه ملاحظه می‌گردد (تصاویر ۵-۶). این امر نشان‌دهنده آن است که در منطقه‌ای هم‌چون خراسان بزرگ قرن سوم تا پنجم هجری که حکومت‌های نیمه مستقلی هم‌چون طاهریان و سامانیان حضور داشتند، تشیع از چنان جایگاهی برخوردار شده بود که حتی هنرمندان و صنعتگران نیز بعضاً از نوشته‌های مرتبط با این مذهب در

داشتند (جهت آگاهی بیشتر رک: آل‌یاسین، ۱۳۷۱ و کرمر، ۱۳۷۵: ۷۲)؛ هر چند که متأسفانه بسیاری از شواهد معماری آن بازه زمانی، در دوره‌های زمانی جدیدتر بنا به دلایل گوناگون از بین رفته است.

<sup>۵</sup> در ارتباط با وضعیت تشیع در شمال غرب ایران طی قرون مختلف اسلامی، به‌ویژه در قرن ۴-۵ه.ق پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است (برای نمونه رک: شاهمرادی و منتظر القائم، ۱۳۹۵).

<sup>۶</sup> این آیه به‌طور غیر مستقیم و با هدف نشان دادن مشروعیت حکومت اهل بیت (ع) بر جامعه اسلامی، روی سکه‌های این حکومت به کار رفته است. در ارتباط با شأن نزول این آیه و چرایی ارتباط آن با اهل بیت و امامان شیعه (ع) مباحث فراوانی ذکر شده است (برای نمونه رک: امامی، ۱۳۸۵: ۱۸۴ - ۱۸۶).

آثار تولیدی خود استفاده می‌کردند.<sup>۷</sup> علاوه بر این، استفاده از جملات نهج‌البلاغه در این بازه زمانی از جنبه دیگر اهمیت دارد؛ چرا که از جمله قدیمی‌ترین شواهد باستان‌شناسی محسوب می‌شوند که بخش‌هایی هر چند اندک از جملات کتاب نهج‌البلاغه در آنها به کار رفته است.



تصاویر ۵ و ۶: دو نمونه از سفالینه‌های نیشابور با کتیبه‌هایی از متن کتاب نهج‌البلاغه (قوچانی، ۱۳۶۴: تصاویر ۲ و ۱۴)

**ج) سنگ‌نوشته:** گروه دیگری از آثار قرون اولیه اسلامی که احتمال داده می‌شد حاوی نشانه‌هایی از مذهب تشیع باشند را سنگ‌نوشته‌ها تشکیل می‌دهند که در دو گروه نوشته‌های روی سنگ قبور و نوشته‌های حجاری شده روی صخره‌ها، بررسی شده‌اند. در این میان، با وجود آنکه بخش مهمی از این سنگ‌نوشته‌ها را سنگ قبور تشکیل می‌دهند اما بجز برخی اسامی شیعه، شواهد دیگری در این آثار شناسایی نشد. به‌عنوان نمونه می‌توان به سه سنگ قبر از قرن پنجم هجری که امروزه در بنای امامزاده ابراهیم گاریز قرار دارند و سنگ قبرهای قرن پنج هجری کازرون اشاره کرد. با وجود آنکه اسامی هم‌چون علی، حسن و حسین روی این سنگ قبور به‌کار رفته، اما فاقد نشانه‌های دقیق مرتبط با مذهب تشیع هستند (جهت آگاهی بیشتر رک: افشار، ۱۳۴۸: ۲۹۷ و شیخ‌الحکامی، ۱۳۷۲). با این وجود، همین اسامی نیز خود به تنهایی اشاره به شخصیت‌های مذهبی دارد که بعضاً از احفاد امامان شیعه (ع) هستند مانند سنگ قبر «ابوالعباس احمد بن ابراهیم النقیب» که احتمالاً از نوادگان امامزاده جعفر بوده است (افشار، ۱۳۴۸: ۳۳۰). علاوه بر سنگ قبور، نشانه‌هایی از مذهب تشیع را می‌توان روی برخی از کتیبه‌های حجاری شده روی صخره‌ها ملاحظه کرد. برای نمونه در صخره‌های جانبی قلعه سمیرم، بعضاً کتیبه‌های قرآنی و شعارهای اسلامی نیز وجود دارد که در یکی از آنها در قالب شعر، مصرع «و بالرسول المؤمن / و بالحسین و الحسن» نگاشته شده است که شاید نشانه‌ای از گرایش شیعی ساکنان قلعه باشد. نظر به اینکه تمامی کتیبه‌های قلعه در بازه زمانی ۲۶۵ تا ۳۰۹ ه.ق نگاشته شده‌اند و تقریباً یک رسم‌النخط مشابه دارند، احتمالاً این کتیبه نیز در همین بازه زمانی نگاشته شده است (شیخ‌الحکامی، ۱۳۹۸: ۴۴۸).

<sup>۷</sup> در مورد وضعیت شیعه‌گری و تشیع در منطقه خراسان بزرگ طی قرون اولیه اسلامی پژوهش‌های زیادی بر پایه اسناد و منابع تاریخی صورت گرفته و تا حد زیادی سیمای این منطقه از لحاظ جایگاه این مذهب بین مردم روشن شده است (جهت آگاهی بیشتر رک: فرجی راد و ساعی، ۱۳۹۰ و سلیمانی و بهرامی، ۱۳۹۰). این جایگاه تا حدی بوده که حتی برخی متون تاریخی این قرون به وضوح اشاره به حضور محسوس علویان یا شیعیان در شهرهایی هم‌چون نیشابور و طوس کرده‌اند (نیشابوری، ۱۳۳۷: ۱۲۲ و مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۶۷).

د) آثار چوبی: چوب بر خلاف بسیاری از آثار تاریخی دیگر، دوام و ماندگاری زیادی ندارد. به همین دلیل از قرون اولیه اسلامی شواهد چندانی از این آثار در ایران به دست نیامده است. با این وجود همان معدود آثار باقی مانده این دوران نیز بعضاً دارای شواهد و نشانه‌هایی هستند که به نحوی در ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با مذهب تشیع است. گروهی از این آثار را هشت لنگه درب و دو لوحه چوبی تشکیل می‌دهند که تماماً در سال ۳۶۳ ه.ق و به دستور امیر عضدالدوله حاکم دوره آل بویه ساخته شده‌اند. این درب‌ها و لوحه‌ها که امروزه در موزه تخت جمشید و موزه قاهره نگهداری می‌شوند، در بردارنده شعائر بسیاری از مذهب تشیع اثنی عشری هستند<sup>۸</sup>. از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: تکرار چهارگانه نام امام علی (ع) به خط کوفی معقلی روی برخی از لنگه درب‌ها، بخش‌هایی از اذکار نماز جعفر طیار، بخش‌های نخستین دعای مکارم‌الاخلاق، بخش‌هایی از دعای بیستم صحیفه سجادیه، مناجاتی از اذکار حضرت فاطمه (س)، صلوات بر اهل بیت و ائمه دوازده‌گانه، اسامی چهارده معصوم (ع) و عبارت «قال الله تبارک و تعالی و لا بن علی ابن ابی طالب: حصن فمّن دخل حصنی امن من عذابی اللهم ارزقنا و لا بن مولانا علی» (جهت آگاهی بیشتر رک: بلر، ۱۳۹۴: ۶۷ - ۷۵؛ تدر و خزایی، ۱۴۰۰: ۱۲ - ۱۴؛ صدیقیان و همکاران، ۱۴۰۲ و Okane, 2006: 272). وجود این درب‌های چوبی نشان‌دهنده اعتقاد راستین برخی حاکمان آل بویه به مذهب تشیع اثنی عشری است که در سکه‌های این دوره نمود چندانی نداشته‌اند.

علاوه بر این درب‌های هشت‌گانه، دو لنگه درب چوبی دیگر در موزه تخت جمشید به تاریخ ۴۴۵ ه.ق وجود دارد که در این درب‌ها نیز نمود روشنی از شعائر و نوشته‌های مذهب تشیع دیده می‌شود. بخشی از کتیبه‌های این درب‌ها که تاکنون در هیچ پژوهشی معرفی نشده‌اند، بدین شرح است: «ادخل یا مولا یا فاطمه الزهرا سیده نساء العالمین، ... ادخل یا مولا یا حسن بن علی، ادخل یا مولا یا حسین بن علی، ادخل یا مولا علی بن الحسین ...، ادخل یا مولا یا محمد بن علی، ادخل یا مولا یا جعفر بن محمد، ادخل یا مولا یا موسی بن جعفر، ادخل یا مولا یا علی بن موسی الرضا، ادخل یا مولا یا محمد تقی ...» و «علی ... یا مولی علی» (تصاویر ۷-۸). این نوشته‌ها که به طور مستقیم اشاره به اسامی چهارده معصوم (ع) دارند را می‌توان از جمله شواهد باستان‌شناسی مرتبط با مذهب تشیع به حساب آورد.

<sup>۸</sup> این درب‌های چوبی به دلیل تشابهات بسیار، احتمالاً در یک کارگاه تولید شده‌اند. نظر به اینکه نصف این آثار امروزه در موزه تخت جمشید قرار دارند، محتمل است که همه آنها در خود منطقه فارس و شاید توسط استادکاران آباده‌ای تولید شده باشند که سابقه درخشانی در تولید آثار چوبی طی قرون مختلف اسلامی دارند (جهت آگاهی بیشتر در ارتباط با آثار چوبی منطقه فارس رک: مهجور و عبیدی پور، ۱۳۹۶).



تصاویر ۷-۸: دو لنگه درب چوبی موزه تخت جمشید به تاریخ ۴۴۵ ه.ق با مضامین مرتبط با مذهب تشیع (منبع: نگارندگان) بجز این موارد، دو لنگه درب چوبی بدون تاریخ ساخت، در موزه ملی ایران قرار گرفته که احتمالاً متعلق به امامزاده حمزه دهدشت بوده‌اند (تندرو و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲۲). این درب‌ها با توجه به تکنیک ساخت، ویژگی‌های تزئینی و برخی کتیبه‌های به‌کار رفته در آنها، متعلق به قرن پنجم هجری هستند؛ چرا که به دستور «ابومنصور فولادستون» پسر «ابوکالینجار بویه» ساخته شده‌اند. وی در اصل آخرین حاکم آل بویه در منطقه فارس بوده که در بازه زمانی ۴۴۰ تا ۴۴۸ ه.ق حکومت کرد (تندرو و خزایی، ۱۴۰۰: ۷). بر همین اساس و با توجه به همین کتیبه‌ها، احتمالاً این درب نیز در نیمه نخست قرن پنجم هجری ساخته شده است. نکته قابل توجه در ارتباط با این درب، وجود کتیبه‌هایی به خط کوفی یا نسخ، با نشانه‌های مستقیم مذهب تشیع در آن است. مضامین این کتیبه‌ها بدین شرح است: بخشی از دعای توبه امام سجاد (ع)، قسمتی از دعای امام زمان (عج) (اللهم ارزقنا توفیق...)، اسامی پنج تن آل عبا، عبارات «یا منان؛ یا حیان؛ الزهرا؛ یا سلطان؛ یا سبحان» که در دعای جوشن کبیر نمود بارزی دارند و نیز آیات یک تا ۵۳ سوره یس که بسیار مورد توجه شیعیان بوده است (همان، ۹ - ۱۰). وجود چنین شواهد متقنی نشان از اهمیت و جایگاه مذهب تشیع بین حاکمان آل بویه تا پایان این حکومت بوده است.

در مسجد جامع ایبانه نیز منبر چوبی به تاریخ ۴۶۶ ه.ق وجود دارد که روی آن کتیبه‌هایی به خط کوفی گل‌دار و ثلث نگاشته شده که بخشی از این کتیبه‌ها به‌طور مستقیم مرتبط با مذهب تشیع است. این کتیبه‌ها که به‌صورت الحاقی به بدنه منبر اضافه شده، بدین شرح هستند: «هو العلی الکبیر لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله حقا حقاً<sup>۹</sup>». این نوشته مستقیماً به پذیرش اصل امامت و قبول ولایت امام علی (ع) اشاره دارد (جعفری‌فرد و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۹).

<sup>۹</sup> جهت آگاهی بیشتر در ارتباط با تفسیر این جمله رک: (کلینی، ۱۳۶۹: ۵۸۱).

ه) پارچه: در حال حاضر پارچه‌های بسیار اندکی از قرون اولیه اسلامی در ایران باقی مانده است. آثار باقی مانده نیز عمدتاً به صورت تکه پارچه بوده که بعضاً کتیبه‌هایی مذهبی به خط کوفی روی آنها باقی مانده است (جهت آگاهی بیشتر رک: زارع خلیلی و همکاران، ۱۳۹۹). از معدود پارچه‌نوشته‌های باقی مانده این دوره که شواهدی از مذهب تشیع در آنها ملاحظه می‌شود، می‌توان به یک قطعه پارچه دوره آل‌بویه اشاره کرد که در شهر ری به دست آمده است. در این پارچه کتیبه‌ای با این مضمون به کار رفته است: «من کبرت همته کثرت قیمته» (روح‌فر، ۱۳۹۶: ۱۹). تقریباً مشابه این جمله، در حدیثی از امام علی (ع) مشاهده می‌شود که چنین می‌فرمایند: «من کبرت همته کبر اهتامه». اینکه کدام جمله صحیح‌تر است، چندان مشخص نیست؛ اما این احتمال داده می‌شود که شاید متن خواننده شده کتیبه روی پارچه چندان با دقت صورت نپذیرفته باشد؛ چون بجز یک کلمه، باقی واژگان از لحاظ نوشتاری تا حد زیادی تشابه یکسان دارند. در درون قاب اطراف نقوش این پارچه نیز جمله «من طالب اصله زکی فعله» نگاشته شده است (دادور و حدیدی، ۱۳۹۰: ۱۸ و زابلی‌زاده غضنفرآبادی و محترم، ۱۳۹۷: ۱۳۹). این جمله نیز احتمال دارد در ارتباط با مضامین شیعی باشد که فعلاً با اطمینان نمی‌توان در مورد آن سخن گفت.

و) گچ‌بری: گروه دیگری از آثار قرون سه تا پنج هجری که روی برخی از آنها شواهدی از اعتقادات مذهب تشیع را می‌توان جست و جو کرد، کتیبه‌های گچ‌بری این دوران است. در حال حاضر بسیاری از کتیبه‌های گچ‌بری این دوره یا از بین رفته و یا اینکه شواهد چندان از اعتقادات مذهب تشیع در آنها دیده نمی‌شود. اما از معدود آثار باقی مانده که می‌توان چنین شواهدی را در آن پیدا کرد، برخی از کتیبه‌های به کار رفته در مسجد جامع نائین است. کتیبه‌های گچ‌بری شده این مسجد که احتمالاً در بازه زمانی ۳۵۰ یا به قولی ۳۸۹ ه.ق نگاشته شده‌اند، تماماً به خط کوفی بوده و عمدتاً شامل آیات قرآن هستند (جهت آگاهی بیشتر رک: Flury, 1930). اما در میان آنها کتیبه‌ای با موضوع صلوات بر پیامبر (ص) وجود دارد که نشانه‌هایی از مذهب تشیع در آن دیده می‌شود. متن این کتیبه بدین شرح است: «لا اله الا الله محمد رسول الله صل الله علیه و علی آله الطیبین الطاهرین الاخیار» (قوچانی، ۱۳۷۵: ۱۳۸؛ آزاد، ۱۳۸۱: ۱۰۲ و پرورش و دیگران، ۱۳۹۴). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بعد از صلوات بر پیامبر، اشاره به اهل بیت یا خاندان ایشان شده با عنوان «طیبین طاهرین». علاوه بر این، محراب گچ‌بری شده‌ای در بنای امام‌زاده فضل و یحیی محلات وجود دارد که روی آن کتیبه‌هایی با موضوع برخی از سوره‌های قرآن، نام سازنده و تاریخ ساخت آمده است (فیض، ۱۳۵۰: ج ۲، صص ۲۵ - ۲۶). نظر به اینکه این محراب و بنای آن در اصل متعلق به یکی از احفاد امامان شیعه بوده و به دستور یکی از حاکمان آل‌بویه به نام «علی بن احمد بابویه الدیلمی» در سال ۳۳۰ ه.ق ساخته شده، به صورت غیر مستقیم می‌توان آن را نشانه‌ای از جایگاه تشیع در این بازه زمانی به حساب آورد.

### جمع‌بندی

مطالعات سکه‌شناسی قرون دوم تا پنجم هجری قمری ایران نشان‌دهنده آن است که عملاً در این بازه زمانی و در بخش‌های مختلفی از این کشور، به‌ویژه در نیمه شرقی، شمالی و مرکزی، مذهب تشیع از نفوذ و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده بود. این امر تا جایی پیش رفت که حتی بعضاً افرادی که علیه حکومت وقت اموی قیام کرده بودند، به جهت آنکه بتوانند پیروان بیشتری را به سمت خود جذب کنند، از نشانه‌های مرتبط با مذهب تشیع در سکه‌های ضرب شده خود استفاده کردند. این نمادها و نشانه‌ها در قرون متأخرتر نیز هم‌چنان ادامه پیدا کرد؛ اما بعضاً بجای اشارات غیر مستقیم، از کلمات روشنی هم‌چون «علی ولی الله» یا «القائم من آل

محمد» استفاده شده است. حتی بعضاً حکومت‌های محلی کوچکی مانند علویان و آل‌مسافر، مستقیماً و به کرات از این شعارها و نوشته‌ها استفاده کرده‌اند. در این میان چنین به نظر می‌رسد که حکومت‌های بزرگ و شیعه‌مذهبی هم چون آل‌بویه که حتی اداره شهر بغداد را عهده‌دار بودند، بنا به دلایلی چندان از این شعارها استفاده نکرده‌اند. شاید یکی از این دلایل تسامح مذهبی حاکمان آل‌بویه و جلوگیری از نفاق و دشمنی بین مسلمانان بوده است. این امر نشان می‌دهد که شیعیان حتی با وجود برخورداری از قدرت لازم، در آن بازه زمانی اهمیت زیادی به وحدت بین مسلمانان قائل بودند؛ موضوعی که در قرون متأخر اسلامی هم چنان قابل ملاحظه است. گروه دیگری از آثار هنری این قرون که شواهدی از مذهب تشیع را به نحوی می‌توان در آنها جست و جو کرد، ظروف سفالین تولیدی نیشابور یا خراسان بزرگ هستند. در این ظروف که طی بازه زمانی قرن ۳-۴ه.ق تولید شده‌اند، بعضاً احادیثی از امام علی (ع) نقل شده که بعضاً در کتاب نهج‌البلاغه نیز دیده می‌شوند. این امر نشان از آن دارد که خراسان با وجود حکومت‌هایی هم چون طاهریان و سامانیان که پیرو مذهب تسنن بودند، منطقه‌ای بوده که همواره مذهب تشیع در آن از پیروان زیادی برخوردار بوده است. یکی از دلایل این امر را شاید بتوان در وجود بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا (ع) در این خطه جست و جو کرد. وجود این عوامل از دلایلی است که حتی سفال‌گران این منطقه نیز سعی کرده‌اند که بعضاً سفالینه‌هایی را تولید کرده که در آنها کتیبه‌هایی در ارتباط با مذهب تشیع وجود داشته باشد؛ موضوعی که شاید حتی نشانی از شیعه‌مذهب بودن برخی از این سفال‌گران بوده است.

متأسفانه سنگ‌نوشته‌ها که به فراوانی در بازه زمانی قرون ۴-۵ه.ق در ایران شناسایی شده‌اند، کمترین شواهد مرتبط با مذهب تشیع را دارند. از یک طرف سنگ‌نوشته‌های حاکمانی مانند امیر عضدالدوله دیلمی در تخت جمشید را داریم که هیچ نشانه‌ای از مذهب تشیع روی آنها به کار نرفته است؛ از طرف دیگر سنگ‌نوشته‌های روی قبور فراوانی در مناطقی هم چون یزد نیز شناسایی شده که با وجود مرتبط بودن با یک آرامگاه مذهبی مرتبط با احفاد امامان معصوم (ع)، اما هیچ نشانی از مذهب تشیع ندارند. این امر که چرا بر خلاف بسیاری از هنرهای دیگر، در سنگ‌نوشته‌ها چنین شواهدی از مذهب تشیع دیده نمی‌شود، فعلاً مشخص نیست. اما همین که برخی از این سنگ‌نوشته‌ها در اصل سنگ قبور برخی امام‌زاده‌های شیعه بوده و بعضاً روی آنها اسامی افرادی مانند حسن یا علی که شاید به نحوی در ارتباط با شیعیان بوده باشند، موضوعی است که تا حدودی می‌توان جایگاه این آثار را در ارتباط با مذهب تشیع در نظر گرفت. بجز این موارد، سنگ‌نوشته‌های حجاری شده روی صخره‌ها نیز از این بازه زمانی به فراوانی در ایران به دست آمده اما به‌ندرت شواهدی از مذهب تشیع را می‌توان در آنها ملاحظه کرد. تنها در یکی از کتیبه‌های نزدیک قلعه سمیرم، شواهد اندکی در این ارتباط شناسایی شد.

هنرهای مرتبط با چوب، به‌ویژه تولید انواع مختلف درب، منبر و صندوق محجر، در طول قرون مختلف اسلامی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای بین مسلمانان و به‌ویژه شیعیان برخوردار بوده است. متأسفانه از قرون اولیه اسلامی تعداد اندکی از این آثار باقی مانده است؛ اما در همین آثار اندک باقی مانده نیز بعضاً شواهد متقنی از مذهب تشیع دیده می‌شود که اهمیت زیادی دارند. شاخص‌ترین آنها را به نحوی می‌توان در درب‌های چوبی ملاحظه کرد که به دستور امیر عضدالدوله دیلمی در قرن چهارم هجری تولید شده‌اند. موضوعی که کاملاً متفاوت با رویکرد این حاکم در ضرب سکه و سنگ‌نوشته‌هایی است که به دستور ایشان ایجاد شده‌اند. این درب‌های چوبی از این جنبه اهمیت دارند که مستقیماً شاعر مختلف مذهب تشیع در آن دیده می‌شود؛ از تکرار کلمه «علی» گرفته تا مواردی هم چون نوشتن احادیث و جملاتی از مهم‌ترین کتاب‌های مذهبی شیعه. جایگاه انتقال مفاهیم مرتبط با شیعیان روی آثار چوبی حتی در قرن پنجم نیز استمرار داشته و هم چنان درب‌های چوبی یا منبری از این دوران شناسایی شده که به-

طور مستقیم یا غیر مستقیم این اندیشه‌ها روی آنها انعکاس یافته است. مانند صلوات بر ۱۴ معصوم که شاید بتوان اولین و قدیمی‌ترین اثر شناخته شده باقی مانده در سرزمین ایران به حساب آورد.

جایگاه شعارهای مذهبی شیعیان طی قرون اولیه اسلامی را به ندرت در برخی پارچه‌ها و تزئینات گچ‌بری این قرون نیز می‌توان ملاحظه کرد که به صورت غیر مستقیم نمادهایی از این مذهب، هم‌چون احادیث امام علی (ع) یا صلوات بر پیامبر و خاندان ایشان، در آنها به کار رفته است. همه این عوامل نشان‌دهنده آن است که طی قرون اولیه اسلامی، به ویژه قرون سه تا پنج هجری، با وجود آنکه ایران از یک طرف تحت لوای خلافت عباسی قرار داشته و از طرف دیگر بیشترین درصد جمعیت این سرزمین را پیروان مذهب تسنن تشکیل می‌داد، اما همواره مذهب تشیع در بین ایرانیان از جایگاه و نفوذ بالایی برخوردار بوده است. این جایگاه وقتی پررنگ‌تر شد که بعضاً حکومت‌های مهمی هم‌چون آل بویه، باوندیان و علویان نیز در مناطق مختلف ایران روی کار آمده که علناً پیرو آیین تشیع بوده‌اند؛ موضوعی که هم منابع تاریخی بدان اذعان دارند و هم شواهد سکه‌شناسی تا حدودی آن را تأیید می‌کند. وجود اندک شواهد باستان‌شناسی دیگر هم‌چون سفال‌نوشته‌ها یا چوب‌نوشته‌ها نیز تا حد زیادی این جایگاه را تأیید می‌کنند؛ هر چند که در حال حاضر شواهد باستان‌شناسی مرتبط با این موضوع بسیار اندک بوده و امید است که در آینده شواهد بیشتری که مرتبط با این امر باشند، در مطالعات باستان‌شناسی مختلف به دست آید.

### نتیجه‌گیری

شواهد باستان‌شناسی مرتبط با مذهب تشیع در قرون اولیه اسلامی ایران از این جنبه اهمیت دارند که مؤید گفته‌های مرتبط در منابع تاریخی و مذهبی هستند. آنچه که از بررسی آثار تاریخی این دوران ایران حاصل شد، چنین مشخص گردید که عملاً نشانه‌های مرتبط با مذهب تشیع در بسیاری از این آثار نمود آشکاری پیدا کرده است. در این میان شواهد سکه‌شناسی از یک طرف و کتیبه‌های به کار رفته روی برخی آثار چوبی، متقن‌ترین شواهد مرتبط با مذهب تشیع هستند؛ چرا که مستقیماً کتیبه‌هایی در ارتباط با این مذهب روی آنها به کار رفته است. اما در سایر آثار تاریخی مانند ظروف سفالی، پارچه‌نوشته‌ها، کتیبه‌های گچ‌بری و سنگ‌نوشته‌ها، این نشانه‌ها را بیشتر به طور غیر مستقیم می‌توان ملاحظه کرد؛ هم‌چون استفاده برخی احادیث امام علی (ع) یا جملاتی در مدح یا اهمیت اهل بیت پیامبر یا حتی وجود این آثار در برخی ابنیه مذهبی مرتبط با شیعیان. با توجه به این تفاسیر چنین می‌توان بیان کرد که با وجود شناسایی شواهد بسیاری از مذهب تشیع در بسیاری از آثار تاریخی قرون اولیه اسلامی ایران، هنوز پژوهش در این زمینه مراحل نخستین خود را سپری کرده و در آینده با شناسایی شواهد متقن بیشتر، این امر کامل‌تر خواهد شد.

## فهرست منابع

۱. آزاد، میترا، ۱۳۸۱، معماری ایران در قلمرو آل‌بویه، تهران، انتشارات کلیدر.
۲. آل‌یاسین، محمدحسن، ۱۳۷۱، تاریخ حرم کاظمین، ترجمه غلامرضا اکبری، مشهد، انتشارات کنگره جهانی حضرت رضا (ع).
۳. اروجی، فاطمه و دیگران، ۱۳۹۵، نگرشی بر وضعیت شیعیان ایران طی سده‌های سوم و چهارم هجری، نشریه رهیافت تاریخی، ش ۱۶، صص ۱-۱۸.
۴. اسماعیلی، یوسف، ۱۳۸۷، سیری در تاریخ تشیع مازندران از آغاز تا پایان سده هشتم هجری، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. افشار، ایرج، ۱۳۴۸، یادگارهای یزد، جلد اول، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
۶. امامی، محمدجعفر، ۱۳۸۵، شأن نزول آیات قرآن برگرفته از تفسیر نمونه، قم، انتشارات مدرسه امام علی (ع).
۷. بلر، شیلا، ۱۳۹۶، نخستین کتیبه‌ها در معماری دوران اسلامی ایران، ترجمه مهدی گلچین عارفی، تهران، نشر فرهنگستان هنر.
۸. ترابی طباطبائی، سید جمال، ۱۳۵۱، رسم‌الخط اویغوری و سیری در سکه‌شناسی، مجله شماره ۶ موزه آذربایجان، تبریز، چاپ شفق.
۹. تندرو، مهسا و خزایی، محمد، ۱۴۰۰، مطالعه تطبیقی طراحی و ساختار تزئینی کتیبه‌های کوفی آثار دوره آل‌بویه: در چوبی موزه ملی ایران و الواح چوبی آستان امام علی در موزه عربی قاهره، مجله هنرهای صناعی ایران، دوره ۴، ش ۲، صص ۵-۱۸.
۱۰. پرورش، مرضیه و دیگران، ۱۳۹۴، بررسی کتیبه‌های کوفی مسجد جامع نائین، مجله هنر اسلامی، دوره ۱۱، ش ۲۳، صص ۷۵-۸۶.
۱۱. تندرو، مهسا و دیگران، ۱۳۹۹، پیشینه و شاخصه‌های بصری تزئینات در چوبی امامزاده حمزه دهدشت آل‌بویه محفوظ در موزه ملی ایران، فصلنامه هنر اسلامی، ش ۴۰، صص ۱۰۷-۱۲۵.
۱۲. جعفریان، رسول، ۱۳۸۸، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران، نشر علم.
۱۳. جعفری‌فرد، زهرا و دیگران، ۱۳۹۴، تالو شعارهای شیعی بر آثار چوبی دوره سلجوقی تا آغاز دوره تیموری، نشریه شیعه‌شناسی، ش ۵۲، صص ۳۵-۵۲.
۱۴. حاجی تبار، مجید، ۱۳۹۳، نشان‌شناسی مذهب شیعه بر مسکوکات علویان طبرستان، مجله مطالعات هنر اسلامی، ش ۲۰، صص ۹۱-۱۰۶.
۱۵. دادور، ابوالقاسم و حدیدی، الناز، ۱۳۹۰، بررسی نقوش منسوجات قرون اولیه اسلامی: از قرن اول تا اواخر دوره سلجوقی، نشریه جلوه هنر، ش ۶، صص ۱۵-۲۲.
۱۶. رضائی باغبیدی، حسن، ۱۳۹۳، سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، تهران، انتشارات سمت.
۱۷. روح‌فر، زهره، ۱۳۹۶، نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
۱۸. زابلی‌زاده غضنفرآبادی، وحیده و محترم، مهتاب، ۱۳۹۷، بررسی خط کوفی روی پارچه‌های دوره اسلامی، نشریه پژوهشنامه فرهنگی هرمزگان، ش ۱۶، صص ۱۲۵-۱۴۶.
۱۹. زارع خلیلی، مریم و همکاران، ۱۳۹۹، بررسی نقش و نوشتار در منسوجات آل‌بویه: مطالعه موردی پارچه‌های مکشوفه در آرامگاه بی‌بی شهربانو و نقاره‌خانه شهر ری، مجله هنرهای صناعی ایران، سال ۳، ش ۲، صص ۹۵-۱۰۸.

۲۰. سرفراز، علی‌اکبر و آورزمانی، فریدون، ۱۳۸۹، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران، انتشارات سمت.
۲۱. سرافرازی، عباس، ۱۳۹۴، شعائر شیعی بر سکه‌های اسلامی تا شکل‌گیری حکومت صفویان، نشریه شیعه‌شناسی، ش ۵۱، صص ۷-۲۶.
۲۲. سلیمانی، کریم و بهرامی، اعظم، ۱۳۹۰، پراکندگی جغرافیایی تشیع در خراسان در قرون نخستین اسلامی، مجله خراسان بزرگ، ش ۵، صص ۳۴-۴۳.
۲۳. شاهمرادی، سید مسعود، ۱۳۹۹، تاریخ تشیع در ایران بر مبنای سکه‌شناسی: از آغاز تا تأسیس صفویه، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. شاهمرادی، سید مسعود، ۱۳۹۹، بررسی و تحلیل نگرش حکومت‌های ایران به مذهب تشیع بر مبنای متون مسکوکات: از قرن چهارم تا قرن هفتم هجری، نشریه پژوهشنامه تمدن ایرانی، ش ۴، صص ۸۱-۱۱۴.
۲۵. شاهمرادی، سید مسعود و منتظرالقائم، اصغر، ۱۳۹۵، تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تشیع در آذربایجان: از آغاز تا طلوع دولت صفوی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. شایسته‌فر، مهناز، ۱۳۸۴، عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان، تهران، انتشارات مطالعات هنر اسلامی.
۲۷. شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، ۱۳۷۲، کتیبه‌های کوفی کازرون، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۳، صص ۹۴-۱۰۱.
۲۸. شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، ۱۳۹۸، اوراق سنگین ۳، مجله بخارا، س ۲۴، ش ۱۳۴، صص ۴۴۵-۴۵۲.
۲۹. شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، ۱۴۰۲، یادگار حضور امام رضا (ع) در مسجد جامع ساوه، مجله گزارش میراث مکتوب، س ۶، ش ۳-۴، صص ۱۶-۱۸.
۳۰. صدیقیان، حسین و همکاران، ۱۴۰۲، پیشینه تاریخی نماز جعفر طیار در اسناد باستان‌شناسی، منتشر نشده.
۳۱. علاءالدینی، بهرام، ۱۳۹۴، سکه‌های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان، تهران، انتشارات فرهنگسرای میردشتی.
۳۲. فرای، ریچارد، ۱۳۶۴، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، ج ۴، تهران، نشر امیرکبیر.
۳۳. فرجی راد، عبدالرضا و ساعی، زهرا، ۱۳۹۰، تشیع در خراسان بزرگ، مجله خراسان بزرگ، سال دوم، ش ۴، صص ۱۱۳-۱۳۱.
۳۴. فیض، عباس، ۱۳۵۰، گنجینه آثار قم، ج ۲، قم، نشر مهر استوار.
۳۵. قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل، ۱۳۵۸، النقص، تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران: چاپخانه زر.
۳۶. قوچانی، عبدالله، ۱۳۶۴، کتیبه‌های سفال نیشابور، تهران، انتشارات موزه رضا عباسی.
۳۷. قوچانی، عبدالله، ۱۳۷۵، بررسی کتیبه‌های تاریخی مجموعه نطنز و مسجد جامع نائین، مجله اثر، ش ۲۶ و ۲۷، صص ۱۳۲-۱۴۲.
۳۸. قوچانی، عبدالله، ۱۳۸۰، تجلی علی (ع) بر سفالینه‌های نیشابور، مجله کتاب ماه هنر، ش ۳۱ و ۳۲، صص ۱۷-۱۹.
۳۹. کرمر، جوئل، ۱۳۷۵، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه سعید حنائی کاشانی، تهران، نشر دانشگاهی.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، اصول کافی، تصحیح سید جواد مصطفوی، ج ۱، تهران، نشر علمیه اسلامیه.
۴۱. لین‌پول، استانلی، ۱۳۶۳، تاریخ طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، تهران، نشر دنیای کتاب.
۴۲. مخلصی، محمدعلی، ۱۳۸۴، پژوهشی در کتیبه‌های دوران اسلامی تخت جمشید، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
۴۳. مفتخری، حسین و زمانی، حسین، ۱۳۸۶، تاریخ ایران از ورود اسلام تا دوره طاهریان، تهران، انتشارات سمت.

۴۴. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

۴۵. ملک‌زاده بیانی، ۱۳۵۴، سکه‌های حضرت ثامن الائمه آلاف التحیه و الثناء، مجله معارف اسلامی (سازمان اوقاف)، ش ۲۱، صص ۳۹-۵۴.

۴۶. مهجور، فیروز و عیدی‌پور، زهرا، ۱۳۹۶، بررسی مستند پیشینه تشیع در استان فارس بر اساس کتیبه‌های آثار چوبی دوران اسلامی، مجله علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، سال ۱۵، ش ۵۷، صص ۱۵۹-۱۸۸.

۴۷. نیشابوری، الحاکم، ۱۳۳۷، تاریخ نیشابور، تلخیص احمد بن الحسین بن احمد معروف به خلیفه نیشابوری، تهران، نشر ابن‌سینا.

۴۸. هاشم معروف الحسنی، ۱۳۷۹، جنبش‌های شیعی در تاریخ اسلام، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

۴۹. هالم، هاینس، ۱۳۸۵، تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، تهران، نشر ادیان.

50. Flury, S. 1930, La mosqué e de Nāyin, Syria, T11, pp 43 - 58.

51. Ókane, B. 2006, The treasures of Islamic art in the museum of Cairo, New York, The American University in Cairo press.

52. Wilkonson, Ch. K. 1973, Nishapur: Pottery of the Early Islamic Period, New York, The Metropolitan Museum of art.